

توافقنامه امنیتی در عراق سند خیانت ملی و ننگ تاریخی است

توافقنامه امنیتی دولت دست نشانده عراق و نیروهای تجاوزگر و استعماری امپریالیستی به سرکردگی امپریالیست آمریکا در آستانه امضاء شدن قرار گرفته است و حتما با دسیسه و فشار به امضاء می رسد. این توافقنامه باید تا پایان سال مسیحی جدید مورد توافق قرار بگیرد تا بشود حضور اشغالگران آمریکائی در عراق را، از نظر افکار عمومی و فریب مردم توجیه کرد. اشغالگران آمریکائی با دروغ و دغل و دسیسه چینی قوانین جهانی و از جمله حقوق ملل را به زیر پا گذارده و به یک کشور عضو جامعه جهانی تجاوز کرده و تا کنون یک میلیون نفر قربانی باقی گذارده و کشور مستقل عراق را به بهانه مبارزه با "تروریسم"، "بنیادگرائی"، "اسلام سیاسی" به ویرانه ای بدل کرده اند. مسئولین این جنایت علیه بشریت راست راست راه می روند و کسی نیز قادر نیست از آنها حساب پس بخواهد. زیرا دنیای امروز، دنیای گردن کلفتی و قلدری است. فقط گردن، گردن باریکها را می زنند.

البته جامعه جهانی و مردم جهان بجز یک اقلیت ناچیز جنایتکار و خودفروش نظیر سلطنت طلبان ایرانی، گردهای ناسیونال شونیست عراق و ایران و "چپ اندر قیچی ها" ضد انقلابی... با این عمل جنایتکارانه مخالف بودند و آنرا محکوم می کردند. جامعه ملل تنها پس از اینکه در مقابل عمل انجام شده ای قرار گرفت که راه بازگشت برایش باقی نمانده بود، برای اینکه از دامنه زجر و ناراحتی مردم عراق تا حد ممکن بکاهد و بر مسئولیت قوای اشغالگر برای حفظ جان مردم عراق و حفظ ثروتهای آن کشور تکیه کند ناچاراً به اشغال موقت عراق تن در داد. همین تحمل اجباری اشغال عراق نیز ناشی از فشار امپریالیست آمریکا و همدستی وی با گروههای موافق اشغال عراق بود. سند ننگینی که جامعه ملل بهر صورت به تصویب رسانید تاریخ مصرفش در آخر امسال به آخر می رسد. جامعه ملل این تاریخ را برگزید زیرا امیدوار بود بعد از هشت سال حکومت خودسرانه و فاشیستی جرج بوش، امپریالیست آمریکا را سیاستی دگر آید و خاک عراق را ترک کند.

مبارزه قهرمانانه مردم عراق به پایان نرسیده است و علیرغم سانسور رسانه های گروهی و جعل اخبار این مبارزه بر ضد اشغالگران و حکومت دست نشانده عراق ادامه دارد. همین مبارزه قهرمانانه برای آزادی ملی و حاکمیت سیاسی، امپریالیستها را وادار کرده است تا در زیر پرچم باراک اوباما حضور نظامی خویش را برای مدت‌های مدید تامین کنند. ماهیت این توافقنامه امنیتی چیست؟ توافقنامه امنیتی که باید میان دولت دست نشانده عراق و نیروهای اشغالگر به امضاء برسد به امپریالیستها پایگاههای نظامی می دهد که معنائی جز آن ندارد که سربازان اشغالگر می توانند در این پایگاهها با تمام توان جنگی و تجاوزکارانه خویش باقی بمانند، جاسوسی کنند، دولت در دولت ایجاد کنند و خطری بالقوه برای استقلال و منابع ملی ممالک منطقه بوجود آورند. این اشغالگران باید در خدمت اهداف آزمندانه امپریالیست آمریکا برای اقامت طولانی در منطقه، سرکوب مبارزات مردم منطقه را بعهده بگیرند، حمایت از رژیمهای دست نشانده و ارتجاعی منطقه را کامل کنند، نفوذ در حکومتها و مبارزه با رقبای خویش را تکامل دهند و بر جریان نفت و انرژی منطقه نظارت و تسلط کامل داشته باشند.

دولت دست نشانده عراق و قوای اشغالگر هر دو طرف متن واقعی توافقنامه را پنهان کرده اند. کسی دقیقاً نمی داند که در این توافقنامه چه نوشته شده است. همین پنهانکاری ترس از مردم است. روشن است که محافل هیات حاکمه دست نشانده عراق و نیروی اشغالگر از متن این قرار داد اطلاع دارند و این تنها مردم هستند که نباید بدانند در این قرار داد چه نوشته شده است. همین یک دلیل کفایت می کند که نتیجه گرفت مضمون این قرار داد به ضرر مردم عراق و بر ضد منافع ملی این کشور است و باید آنرا محکوم کرد و بدور انداخت.

از این گذشته هیچ قرارداد جهانی در شرایطی که کشوری تحت اشغال به سر می برد دارای اعتبار نیست. حکومت وقت عراق یک حکومت دست نشانده است و در یک انتخابات تقلبی با گسیل هزاران اسرائیلی برای دادن رای به حکومت دست نشانده عراق بر سر کار آمده است. این حکومت نماینده ملت عراق نیست. بهمین جهت تصمیمات این دولت دست نشانده بر ضد منافع ملی عراق و فاقد اعتبار شرعی و قانونی است.

در این سند ننگین به اتباع آمریکائی مصونیت قضائی داده اند. به این معنی که اگر یک سرباز آمریکائی به صدها زن عراقی تجاوز کرده و آنها را به قتل برساند دادگاههای عراق حق رسیدگی به جرم و مجازات وی را ندارند. ارتش آمریکا در عراق فعال مایشاء است. این همان قرار داد کاپیتولاسیون است که محمد رضا شاه خائن با ارتش آمریکا و حمایت از مستشاران آمریکائی در ایران بست. در آن زمان نیز 50 هزار مستشار نظامی آمریکا که خرجشان را از بودجه میهن ما می دادند در ایران برای جاسوسی و مبارزه با شوروی و سرکوب مبارزات مردم ایران و منطقه

حضور داشتند. آنها از همین حقوق بی برو برگرد برخوردار بودند و جای شگفتی نبود که مردم ایران نتوانستند این خفت را تحمل کنند و خمینی نیز جهت منافع خویش از این نقطه ضعف دربار پهلوی و گماشتگی بیگانه استفاده کرده و مردم را بر ضد رژیم ضد ملی پهلوی بسیج نمود. حال تاریخ ایران در عراق تکرار می شود. همان آخوندهائی که با کاپیتولاسیون در ایران مخالف بودند با کاپیتولاسیون در عراق موافقت. اگر اسلام در ایران مخالف مصونیت قضائی "کفار" و نیروهای اشغالگر در ایران بود اسلام در عراق در تحت توجهات آیت الله سیستانی مرجع تقلید شیعیان ظاهرا اشکالی در این کار نمی بیند و بر اساس گزارش منابع مطبوعاتی معتقد است وی نیز حاضر است مصونیت قضائی سربازان آمریکائی را بپذیرد مشروط بر اینکه اکثریت نمایندگان مجلس دست نشانده عراق به آن رای مثبت دهند. این فتوی در واقع یک کلاه شرعی مذهبی برای رفع مسئولیت از خود است و گرنه هر عقل سالمی می داند که یک قرار داد استعماری با تصویب رای اکثریت نمایندگان دست نشانده در مجلس عراق ماهیت استعماری خود را از دست نمی دهد. این قرار داد یک قرار داد ضد ملی و ضد اسلامی باقی می ماند، حتی اگر رسول اکرم هم زیر آنرا امضاء کند و طبیعتا مورد قبول مردم عراق قرار نخواهد گرفت. از هم اکنون بخشی از مخالفین که در مجلس نیز رای مخالف دادند تحت رهبری مقتدی صدر صدها هزار نفر اعم از شیعه و یا سنی را در اعتراض به این قرارداد ننگین به خیابانها آورده اند. از 275 نماینده دست نشانده 77 نفر در جلسه شرکت نکردند و از 198 نفر باقیمانده بخش بزرگی به مخالفت با قرارداد برخاسته اند. قرارداد برخلاف میل آقای سیستانی مورد تائید اکثریت نمایندگان مجلس قرار نگرفته است. تنها مورد تائید اکثریت نمایندگان حاضر در مجلس قرار گرفته است. اغلب این نمایندگان گردهای جلال طالبانی بوده اند که در منطقه همدست صهیونیسم و امپریالیسم و دشمنان سوگند خورده خلقهای منطقه اند. هواداران عقد قرار داد مدعی می شوند که در اثر مذاکرات فراوان با آمریکائیها به توافقاتی دست یافته اند. از جمله این توافقات آن است که چنانچه یک تبعه آمریکا در حین انجام وظیفه جرم جنائی مرتکب شد از مصونیت قضائی برخوردار است و دادگاههای عراقی حق محاکمه و مجازات وی را ندارند. ولی چنانچه یک تبعه آمریکا به ارتکاب عملی جنائی دست زد که در حین انجام وظیفه نبود دادگاههای عراق حق رسیدگی، تعقیب و مجازات وی را دارند. آنچه در این بند کتمان می شود این واقعیت است که تشخیص اینکه کدام عمل انجام وظیفه و کدام اقدام خود سرانه انجام شده است بر عهده آمریکائیهاست. در حقیقت این بند یعنی کشک. یعنی ریش و قیچی را به قوای اشغالگر بدهیم تا هر کار خواست خودش بکند ولی رژیم دست نشانده امکان داشته باشد با تحمیق افکار عمومی و فریب مردم این خیانت ملی را توجیه کند.

در سیاست حرفهای بی پشتوانه، قرار دادهای بی پشتوانه پیشیزی ارزش ندارند. حال فرض کنید یک سرباز آمریکائی بخاطر "انجام وظیفه" همراه با همکارانش به چند دختر عراقی تجاوز کرد و آنها را به قتل رسانید و یا به خاطر انجام وظیفه چند نفر عراقی را مورد شکنجه قرار داد. در کدام قانونی حدود و ثغور این "انجام وظیفهها" تعریف شده است و نقض آنها مستوجب مجازات است؟ اگر قضات آمریکائی همانگونه که در زمان جرج بوش رسم بوده نقض حقوق بشر را تائید کنند و شکنجه را امر درست و به مصلحت بدانند و تجاوز به اسراء را عملی مذموم و نکوهیده ندانسته برای کسب اطلاعات لازم بشمارند، آنوقت آقای جلال طالبانی و نوری ملکی چه غلطی می کنند و یا می توانند بکنند؟ آنها چگونه می توانند به مخالفت از تعریف جرج بوش از "انجام وظیفه" بپردازند؟

فرض کنیم یک سرباز آمریکائی با لباس شخصی و نه در حین انجام وظیفه، چند عراقی را سر شرط بندی همانطور که تا کنون معمول بوده است با طیانچه کشت و به خانه مردم داخل شد و به زن و بچه آنها تجاوز کرد، پولهای نقد و جواهراتشان را دزدید و پیروزمندانه به پایگاه نظامی خویش بازگشت. چه کسی می تواند در کشور اشغالی ثابت کند که قاتل آمریکائی است، کدام پلیس عراقی جرات دارد برای دستگیری قاتل وارد پایگاه آمریکائی ها که در داخل کشور خودش است وارد شود؟ کدام نیروئی قادر است تحویل این خاطی را از دولت آمریکا درخواست کند؟ کدام دادگاهی می تواند ثابت کند که جنایت آنها در حین انجام وظیفه واقع نشده است؟

تجربه زنده در دنیا مقابل چشمان ماست. آنقدر مسئله رسیدگی به پرونده متهم را طول می دهند تا عمر همه رژیمهای منطقه تمام شود. ما شاهدیم که همین کار را امروز با جنایتکاران نازی در آلمان، ژنرال پینوشه و یارانش در شیلی، با یاران ویدلا در آرژانتین و هواداران فرانکوی فالانژیست در اسپانیا می کنند. تازه آنها اروپائی و یا اروپائی تبار و از "نژاد برترند"، خون ترک و عرب و ایرانی و هندی و پاکستانی و آفریقائی و چینی و... که ارزشی ندارد.

پس روشن است که این بند کش دار را برای فریب افکار عمومی و حفظ چهره بی آبروی جلال طالبانی و نوری ملکی سرهمبندی کرده اند. همین قانون را آمریکائی ها در ژاپن و آلمان اجراء کردند و سربازان خاطی را از مرگ نجات دادند. تاریخ تنها مورد قتل عام دهکده مای لای در ویتنام را بیاد دارد که آنها در اثر گزارش خبرنگاران و شاهدان

آمریکائی سرباز خطا کار را چند سالی در یک دادگاه نمایشی محاکمه و زندانی کردند و سپس مانند قهرمان از وی بعد از آزادی پذیرائی نمودند و زندگیش تا ابد بخاطر اعتمادی که نظام به وی دارد تامین نمودند.

در رسانه ها و مطبوعات مورد شرکتهای حرفه ای و خصوصی آدمکشی مانند ”بلاک واتر” و ”تریپل کانوپی” موضوع بحث نیست و کسی نمی داند که تکلیف این آدمکشان حرفه ای در زمانی که در حین انجام ماموریتی که از جانب پنتاگون دریافت کرده اند مرتکب قتل شوند چه می شود؟

رژیم بغداد با افتخار بیان می کند که آمریکائیا تعهد کرده اند و سیاه روی سفید در قرارداد نوشته اند و به حضرت مسیح سوگند خورده اند که از پایگاههای آمریکائی برای تجاوز به کشور ثالثی استفاده نخواهند کرد. باین ترتیب امپریالیستهای گرگ، سوگند می خورند که به ایران و سوریه و لبنان و فلسطین و شاید روسیه و افغانستان از طریق عراق حمله نکنند. نخست اینکه حمله نکردن به معنی عدم تدارک حمله نیست. امپریالیستها میلیاردها دلار هزینه نمی کنند و پایگاه بوجود نمی آورند که در آنها مغازه مک دونالد راه بیاندازند. این پایگاهها تنها برای تجاوز و تدارک تجاوز است. دولت بی غیرت و دست نشانده و مفنگی عراق که فاقد هرگونه امکان نظارت و کنترل است از کجا می تواند از تحریکات و تحرکات امپریالیستها و دستگاههای جاسوسی ماهواره و الکترونیکی سر درآورد؟ حال اگر امپریالیستها علیرغم قسم و آیه هایشان به ایران حمله کردند و به ریش دولت عراق خندیدند ما ایرانیها چه خاکی بر سرمان کنیم. اگر هواپیماهای آمریکائی مرتب به حریم هوائی ایران و سوریه و لبنان تجاوز کردند و مانند شمشیر دموکلس بالای سر ایران مانور دادند دولت عراق چه غلطی می تواند بکند. خیلی زور بزند یک نطق معترضانه و یک نامه اعتراضی بفرستد و از نماینده آمریکا در عراق بخواهد که پیش جلال طالبانی مهمان نواز برود تا با یکدیگر یک چائی قند پهلو بخورند.

اگر دولت عراق عربده بزند که آمریکا دروغ گفته و به ایران علیرغم تعهداتش حمله کرده است چه کسی به فریادش می رسد و به آن رسیدگی می کند؟ مگر این نخستین دروغ آمریکاست؟ رسانه های گروهی امپریالیستی حتی از ذکر عربده های دولت دست نشانده عراق نیز شانه خالی می کنند. دولتی که در نزد ملت اش فاقد احترام است مالا احترام دول دیگر را بر نمی انگیزد. مگر نه این است که هم اکنون در مورد جنایتی که در نوار غزه می شود و صدها هزار انسان از جانب صهیونیستها و امپریالیستها به گرسنگی محکوم شده اند سکوت اختیار کرده اند. تسلی های امپریالیستها برای خودشان خوب است و ارزش حقوقی، قانونی و عملی ندارد. تازه بعد از خاتمه دوران اشغال که باید در سال 2011 باشد این امکان وجود دارد که آنها با موافقت دولت عراق تمديد کنند. حزب ما از هم اکنون با اطمینان خاطر بیان می کند که جلال طالبانی موافق ادامه اشغال است. نه تنها جلال طالبانی همه گردهای ناسیونال شونیست و ایرانیهای همدست امپریالیسم در ایران نیز از این اشغال دفاع می کنند.

اپوزیسیون تقلبی ایران که هوادار تجاوز امپریالیست آمریکا به خاک افغانستان و عراق بود و برای سرنگونی صدام حسین مانند شعبان بی مخ در کودتای 28 مرداد هلهله می کرد هم اکنون مخالف خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از عراق است. کار به جایی رسیده است که دولت دست نشانده عراق تنها با قید و شرط با ادامه حضور نیروهای اشغالگر موافق است و برای ترک عراق از جانب نیروهای اشغالگر زمان تعیین کرده است ولی ایرانیهای خود فروخته و نوکر امپریالیستها که خود را ”چپ” هم دانسته و مبارزه مردم عراق را نفی می کنند مخالف هرگونه تعیین زمانی برای خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر هستند. آنها مدعی اند که اگر آمریکائیا بروند ”بنیادگرایان” و ”تروریستها” بر سر کار می آیند. گرامی تر آنکه آمریکائیا که ”خدا را شکر” نه ”تروریستند” و نه ”بنیادگرا” در عراق به عنوان مظاهر ”تمدن” و ”انسانیت” و ”حقوق بشر” و ”مدرنیته” بمانند.

اپوزیسیون تقلبی و خود فروخته ایران این کاسه های داغتر از آتش که همدست امپریالیستها در منطقه است از خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از عراق دفاع نمی کند به این بهانه که ممکن است مسلمانان افراطی در عراق بر سر کار آیند. این استدلال ارتجاعی جدید نیست استدلال استعمارگران در تمام طول تاریخ بشریت بوده است که خود را قیم ملل جازده و آنها را غارت می کرده اند. آسیا، آفریقا، آمریکا و استرالیا دریای خون استعمارگران است.

اتفاقا نوع برخورد به ماهیت قرار داد امنیتی ماهیت گروههای ”چپ” را افشاء خواهد کرد. برای ما روشن است که ناسیونال شونیستها کُرد از هر قماشی که باشند از محکوم کردن این قرارداد طفره می روند و خواهان خروج اشغالگران از خاک عراق نیستند، زیرا بنظر آنها منافع کُردها در سایه امپریالیستها و صهیونیستها تامین شده است. شعار آنها این است: گور پدر سایر مردم منطقه.

برخورد به قرارداد امنیتی مجددا ملاکی برای تشخیص نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در منطقه است و ما همه دموکراتها، سیاسیون، انقلابیون و... فرا می خوانیم که موضعگیری اپوزیسیون ایران را زیر ذره بین بگیرند، از آنها

بخواهند که اظهار نظر کرده و آنها را به زیر صلابه انتقاد بکشند. این دقت نظر از هم اکنون راه ساختمان آینده ایران را بنا می نهد.

حزب ما مانند گذشته این توافقنامه امنیتی را ارتجاعی و بر ضد مصالح خلق عراق و خلقهای منطقه دانسته آنرا محکوم می کند و خواهان خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای اشغالگر استعمارگر از عراق است.
حزب ما از مبارزه قهرمانانه مردم عراق بر ضد اشغالگران بربرمنش و وحشی و جنایتکار پشتیبانی می نماید.
حزب ما همدستان آمریکا در عراق را دشمنان مردم ایران و منطقه می داند.

قطعنامه مصوب پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان) بعد از کنگره سوم

toufan@toufan.org

www.toufan.org